



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان

مرکز مطالعات و پژوهش های اقتصادی

گزارش ارائه راهکارهای بهبود مولفه اجرای قراردادها

در شاخص سهولت کسب و کار بانک جهانی

"Enforcing Contracts in Islamic Republic of Iran"

تهیه کننده:

محسن سلطانی نژاد؛ کارشناس ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی

Mohsen.s1372@yahoo.com

۰۹۱۹۸۰۴۱۵۷۵

مقدمه:

شاخص اجرای قراردادها به دنبال اندازه گیری زمان و هزینه ایست که می توان یک دعوی حقوقی (از نوع بازرگانی و تجاری) را از طریق مرجع رسیدگی بدوی (دادگاه یا شورای حل اختلاف) حل و فصل نمود و همچنین بررسی شاخص های مرتبط با کیفیت روندهای قضایی و ارزیابی این امر که کدام سیستم و نظریه های اقتصادی، راه های بهینه تری را در جهت ارتقای روند رسیدگی دعوی در دادگاهها اتخاذ نموده است.

فصل اول: زمان و هزینه

در این فصل به دنبال شفاف‌سازی و پاسخ به این سوالات هستیم که:

- اولاً زمان مورد نیاز برای تشکیل یک پرونده حقوقی و طی مراحل دادرسی و اجرای احکام چه مقدار است؟
- ثانیاً هزینه مورد نیاز اعم از حق‌الزحمه وکلا و هزینه‌های دادرسی تا اجرای احکام تا چه مقدار است؟

۱) زمان مورد نیاز برای اجرایی کردن یک قرارداد از طریق دادگاه‌ها:

۱-۱) زمانی که برای بایگانی کردن و به جریان انداختن پرونده مورد نیاز است.

توضیح:

از زمان تحویل دادخواست توسط خواهان دعوا، رسیدگی دادگاه شروع می‌شود تا اینکه پرونده توسط مدیر دفتر ثبت گردد و به دفتر شعبه اول فرستاده می‌شود تا از آن طریق جهت ارجاع به یکی از شعب به نظر رئیس شعبه اول یا نماینده وی برسد و پس ارجاع با تعیین وقت و ابلاغ آن به طرفین، تاریخ اولین جلسه رسیدگی مشخص می‌شود.

مواد قانونی:

مواد ۴۸ تا ۵۰ و ۶۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مرحله بایگانی کردن پرونده را تشریح می‌کند که:

ماده ۴۸ - شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد. دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم می‌گردد.

ماده ۴۹ - مدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست باید فوری آن را ثبت کرده، رسیدی مشتمل بر نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال) با ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده دادخواست بدهد و در برگ دادخواست تاریخ تسلیم را قید نماید. تاریخ رسید دادخواست به دفتر، تاریخ اقامه دعوا محسوب می‌شود.

ماده ۵۰ - هرگاه دادگاه دارای شعب متعدد باشد مدیر دفتر باید فوری پس از ثبت دادخواست، آن را جهت ارجاع به یکی از شعب، به نظر رئیس شعبه اول یا معاون وی برساند.

ماده ۶۴ - مدیر دفتر دادگاه باید پس از تکمیل پرونده، آن را فوراً در اختیار دادگاه قرار دهد. دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورتی که کامل باشد پرونده را با صدور دستور تعیین وقت به دفتر اعاده می‌نماید تا وقت دادرسی (ساعت و روز و ماه و سال) را تعیین و دستور ابلاغ دادخواست را صادر نماید. وقت جلسه باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه کمتر از پنج روز نباشد.

در مواردی که نشانی طرفین دعوا یا یکی از آن‌ها در خارج از کشور باشد فاصله بین ابلاغ وقت و روز جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود.

پیشنهاد بهبود:

در قانون حداقل زمان برای دعوت اصحاب دعوا و تشکیل اولین جلسه مشخص شده است (۵ روز برای اشخاص مقیم داخل کشور و ۲ ماه برای اشخاص مقیم خارج کشور) اما حداکثری تعیین نشده است فلذا ممکن است با توجه به حجم زیاد پرونده های قضایی، مدت زمان زیادی باید منتظر تعیین وقت دادگاه بود که البته برای خواهانی که به دنبال احقاق حق خویش است این اطاله زمان، زیان آور خواهد بود. پس به عنوان پیشنهاد، دو راهکار ارائه می گردد:

الف: تصویب یک دستورالعمل یا اصلاح قانون در این زمینه (تعیین حداکثر)

ب: وحدت ملاک از ماده ۱۰۰ قانون آ د م: "هرگاه در وقت تعیین شده دادگاه تشکیل نشود و یا مانعی برای رسیدگی داشته باشد به دستور دادگاه نزدیک ترین وقت رسیدگی ممکن معین خواهد شد.

تبصره - در مواردی که عدم تشکیل دادگاه منتسب به طرفین نباشد، وقت رسیدگی حداکثر ظرف مدت دو ماه خواهد بود."

۱-۲) زمانی که برای دادرسی و صدور حکم دادگاه می برد؟

توضیح:

مدت زمان تشکیل جلسه دادگاه تا صدور حکم قطعی، از یک هفته تا ده ها سال امکان پذیر است. بسته به اینکه خواسته خواهان تا چه حدی باشد و دفاعیات طرف دعوا چگونه صورت پذیرد، دعاوی طاری (دعوی اضافی، دعوی ورود ثالث، جلب ثالث و متقابل)، صدور قرار اناطه، قرارهای عدم صلاحیت و اختلاف در صلاحیت، مواردی که موجب توقیف دادرسی می شود (مثل فوت، حجر و ورشکستگی طرف دعوا)، صدور قرارهای کارشناسی، معاینه محل و... همگی ممکن است در یک دعوا رخ دهد و باعث شود تا صدور حکم تا مدت زیادی طول بکشد به نحوی که بسیاری از پرونده ها در دادگاه های ایران به حدی می رسد که برای طرفین نفعی وجود ندارد و تنها از جهت حیثیتی تا رسیدن به حکم قطعی دادگاه به انتظار می نشینند. شاید بتوان بیشترین نارضایتی مراجعین به دادگستری در ایران را ناشی از عامل کندی روند رسیدگی و فرسایشی بودن جلسات دادگاه تا صدور حکم و رسیدن به یک نتیجه قطعی دانست. لازم به ذکر است که اگر رای دادگاه بدوی قابل تجدیدنظرخواهی، وخواهی یا فرجامخواهی یا اعاده دادرسی نیز باشد، روند رسیدگی در مراحل بالاتر را نیز باید برآن افزود.

لازم به ذکر است که با وجود تصویب قانون شوراهای حل اختلاف در روستاها و شهرها از بسیاری از پرونده های قضایی در دادگاه های بدوی کاسته شده است کما اینکه فلسفه اصلی تشکیل این شوراها نیز رسیدگی به پرونده های کوچک تر و با حجم کمتری است که از حساسیت کمتری نیز برخوردارند یا اختصاص شعبی به پرونده هایی در زمینه های خاص مثل شعب دادگاه های خانواده کمک شایانی در کاستن حجم پرونده ها و رسیدگی تخصصی و متمرکز بر پرونده های مزبور نموده است.

مواد قانونی:

بر اساس قانون دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹:

ماده ۱۹ - هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به

دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیت‌دار متوقف می‌شود. در این مورد، خواهان مکلف است ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن را به دفتر دادگاه رسیدگی کننده تسلیم نماید، در غیراین صورت قرار رد دعوا صادر می‌شود و خواهان می‌تواند

پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجدداً اقامه دعوا نماید.

ماده ۲۷ - در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیت‌دار ارسال می‌نماید. دادگاه مرجوع الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهار نظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده را جهت حل اختلاف به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می‌کند. رای دادگاه تجدیدنظر در تشخیص صلاحیت لازم الاتباع خواهد بود.

تبصره - در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاه‌های دو حوزه قضایی از دو استان باشد، مرجع حل اختلاف به ترتیب یادشده، دیوان عالی کشور می‌باشد.

ماده ۳۹ - در صورتی که وکیل استعفاي خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید و دادرسی تا مراجعه موکل یا معرفی وکیل جدید حداکثر به مدت یک ماه متوقف می‌گردد.

ماده ۱۰۵ - هرگاه یکی از اصحاب دعوا فوت نماید یا مجبور شود یا سمت یکی از آنان که به موجب آن سمت، داخل دادرسی شده زایل گردد دادگاه رسیدگی را به طور موقت متوقف و مراتب را به طرف دیگر اعلام می‌دارد. پس از تعیین جانشین و درخواست ذینفع، جریان دادرسی ادامه می‌یابد مگر این که فوت یا حجر یا زوال سمت یکی از اصحاب دعوا تأثیری در دادرسی نسبت به دیگران نداشته باشد که در این صورت دادرسی نسبت به دیگران ادامه خواهد یافت.

ماده ۳۳۶ - مهلت درخواست تجدیدنظر اصحاب دعوا، برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت واخواهی است.

پیشنهاد بهبود:

مسلماً تمام عواملی که باعث اطاله دادرسی می‌گردند موارد و موضوعاتی‌اند که حذف آن‌ها از سیستم حقوقی هیچ کشوری امکان پذیر نیست بنابراین نمی‌توان گفت که قرار اناطه نباشد یا امکان تجدید نظر خواهی حذف گردد یا اینکه توقیف دادرسی و دعاوی طاری در قانون نباشد بلکه باید به اصلاح سیستم شکلی دادگاه‌ها پرداخت از جمله اینکه حجم زیاد پرونده‌هایی که هر دادرس موظف است تا آخر هرماه مختومه کند بسیار بالاست فلذا کمبود نیروی انسانی در دادگستری ایران به شدت مشهود است.

اما راهکارهایی که در این زمینه می‌توان ارائه داد از قرار ذیل است:

الف: پیش‌بینی دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به دعاوی ناشی از امور تجاری بین بازرگانان یا تجار و فعالین اقتصادی
ب: استفاده از قضات متخصص و باتجربه در زمینه امور تجاری در این زمینه به همراه یک یا چند نفر مشاور در امور تجاری جهت اظهار نظر و کمک به قاضی صادرکننده رای

ج: اجباری کرد شرط داوری در قراردادهایی با مبالغ اندک مثلاً تا سقف دویست میلیون ریال

د: آموزش شهروندان (به‌ویژه تجار و فعالین اقتصادی) جهت درج شرط داوری در قراردادهای خود و پیش‌بینی امتیازاتی به آن‌ها از سوی اتاق بازرگانی صادرکننده کارت بازرگانی آن‌ها

۱-۳) زمانی که برای اجرای احکام می‌برد؟

توضیح:

از زمانی که یک اختلاف به وجود می‌آید تا زمانی که توسط دادگاه این اختلاف حل و فصل می‌شود، مراحل مختلفی باید سپری شود. اولین مرحله از زمانی که اختلاف به وجود می‌آید شروع می‌شود و تا زمانی که حل این اختلاف با ثبت دادخواست در دادگاه به نظام قضایی واگذار می‌شود، ادامه داد. معمولاً در این مرحله به چانه‌زنی میان دو طرف سپری می‌شود و زمانی که امیدی به حل مسالمت‌آمیز اختلاف وجود ندارد نوبت به طرح دعوا در دادگاه می‌رسد. قسمتی از این زمان صرف تهیه دادخواست، مشاوره با متخصصان و تهیه اسناد می‌شود تا اینکه بالاخره دادخواست در دادگاه ثبت شود. مرحله بعدی رسیدگی در دادگاه و صدور حکم است؛ اما مقطع مهم سوم که گاهی از آن غافل هستیم اجرای حکم است. معمولاً کسی که حکم علیه او صادر شده است راضی نمی‌شود با میل و رغبت حکم را اجرا کند. در این صورت نوبت به مراجعه به قوای دولتی برای اجرای حکم می‌رسد. پس از صدور احکام قطعی در دادگاه‌ها، نوبت به اجرای احکام صادره از طریق دایره اجرای احکام است.

مراحل اجرای رای عبارتند از:

تشکیل پرونده اجراییه و ضبط و بایگانی همه اوراق مربوط به اجرا در آن / پس از ابلاغ اجراییه مدیر اجرا، مامور اجرا را تعیین (دادورز) و نام او را ذیل ورقه اجراییه می‌آورد. عملیات اجرایی بر عهده مامور اجراست. / بعد از شروع به اجرای حکم، نمی‌توان جلوی عملیات اجرایی را گرفت مگر در صورت:

– دستور دادگاه مبنی بر توقف عملیات / ارائه رسید از محکوم له مبنی بر وصول محکوم به / رضایت کتبی محکوم له دایر بر تعطیل یا توقیف یا قطع یا تأخیر اجرای حکم / اجرای مفاد اجراییه ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اجراییه به محکوم علیه و یا معرفی مال از سوی او و یا ابراز ترتیبی جهت پرداخت محکوم به. / چنانچه محکوم علیه قادر به اجرای مفاد اجراییه نیست باید ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اجراییه صورت جامع و کامل دارایی‌اش را به قسمت اجرا تسلیم کند و اگر مالی ندارد صریحاً اعلام کند.

مواد قانونی:

ماده یک قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ چنین بیان می‌دارد؛ "هیچ حکمی از احکام دادگاه‌های دادگستری به‌موقع اجرا گذاره نمی‌شود مگر اینکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می‌کند صادر شده باشد."
در ماده ۵ قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال ۱۳۵۶ چنین آمده است: «صدور اجراییه با دادگاه نخستین است» بنابراین کسی که حکم به نفع او صادر شده است باید به دادگاهی مراجعه کند که دادخواست اولیه را به آن دادگاه داده است و حکم نخستین از آن دادگاه صادر شده است.
اکنون طبق ماده ۱۹ قانون اجرای احکام مدنی «اجراییه به وسیله قسمت اجراییه دادگاهی که آن را صادر کرده است به‌موقع اجرا گذاشته می‌شود»؛ بنابراین، هم دادگاه نخستین دستور صدور اجراییه را می‌دهد و هم عملیات اجراییه تحت نظر آن دادگاه دنبال می‌شود و به‌موقع عمل می‌آید."

پیشنهاد بهبود:

بهترین راهکار برای هرچه سریع‌تر اجرایی کردن احکام صادره از دادگاه‌ها، واگذاری آن به یک بخش مجزا از دادگستری اما تحت نظارت و کنترل آن می‌باشد که البته با کمک قوای دولتی، نیروهای انتظامی، ضابطان دادگستری و ... تا حدود زیادی به این موضوع جامه عمل پوشیده شده است فلذا در این باره نمی‌توان پیشنهاد جدیدی مطرح نمود.

۲) هزینه مورد نیاز برای اجرایی کردن یک قرارداد از طریق دادگاه‌ها:

۱-۲) حق الزحمه وکلا

توضیح:

وکالت به‌عنوان حرفه‌ای مستقل در ایران جهت دفاع از حقوق موکلین و انجام امور حقوقی ایشان مسلماً دارای حق الزحمه ایست که مطابق تعرفه از مراجعین دریافت می‌گردد.

مواد قانونی:

با توجه به ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و پیشنهاد کانون‌های وکلای دادگستری کشور و هیات اجرایی موضوع ماده ۲ آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، آئین‌نامه تعرفه حق‌الوکاله و هزینه سفر کانون وکلای دادگستری و وکلا و مشاوران حقوقی قوه قضائیه به شرح ذیل تصویب شد.

ماده ۳ - دعاوی مالی میزان حق‌الوکاله در موردی که حکم دادگاه بدوی از حیث بهای خواسته قطعی است از حداقل ۱۵۰۰۰۰ ریال و ۱۰٪ بهای خواسته و حداکثر تا مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال می‌باشد و در موردی که حکم از حیث بهای خواسته قطعی نیست به‌ترتیب ذیل تعیین می‌گردد:

الف - تا مبلغ یکصد میلیون ریال ۶٪ از بهای خواسته و حداکثر ۶۰۰۰۰۰۰ ریال.

ب - نسبت به مازاد یکصد میلیون ریال تا یک میلیارد ریال ۴٪ بهای خواسته و حداکثر تا مبلغ ۴۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

ج - نسبت به مازاد یک میلیارد ریال تا ۵ میلیارد ریال ۳٪ از بهای خواسته و حداکثر تا مبلغ ۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

د - نسبت به مازاد پنج میلیارد ریال ۲٪ از بهای خواسته و حداکثر تا مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

ماده ۸ - در دعاوی غیرمالی اعم از اینکه خواسته مالی نیست یا تعیین بهای خواسته قانوناً لازم نیست و همچنین در دعاوی کیفری، دادگاه میزان حق‌الوکاله و خسارات مورد مطالبه از طرف محکوم‌له را به شرح مقرر در این ماده تعیین خواهد کرد اعم از اینکه خود خواهان یا متهم و یا دادگاه وکیل تعیین کرده باشد حق‌الوکاله:

الف - در دعاوی خانوادگی به‌طور مطلق مانند طلاق و تمکین یا دعاوی مالی ناشی از نکاح و طلاق و دعاوی امور حسبی حداقل ۳۰۰/۰۰۰ ریال و حداکثر ۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

ب - در دعاوی کیفری:

دعاوی کیفری مستلزم مجازات شلاق، جزای نقدی، سرقت مشمول حد، قصاص عضو و دیه عضو، حبس کمتر از ده سال حداکثر مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

ماده ۱۷_ هزینه مسافرت وکلا کیلومتری پانصد ریال رفت و برگشت می‌باشد مگر هزینه‌های مذکور از سوی موکل تقبل شود و فوق‌العاده روزانه مبلغ ۲۵۰/۰۰۰ ریال تعیین می‌گردد.

پیشنهاد بهبود:

فی المجموع مبالغ حق‌الوکاله در ایران اگر بین موکل و وکیل قراردادی جداگانه منعقد نشده باشد مطابق تعرفه خواهد بود که ظاهراً منصفانه است اما عاملی که به شدت بر عدم رضایت وکلا در دریافت مطابق تعرفه تأثیرگذار می‌باشد و باعث شده است که بسیاری از وکلا بالاخص وکلای با شهرت و سابقه در قراردادی جداگانه مبالغی بیشتر از موکلین دریافت کنند میزان زیادی از مالیاتی است که باید بپردازند؛ بنابراین اصلاح نظام مالیاتی در این رابطه (به‌گونه‌ای که وکلا بتوانند بدون صرف وقت زیاد در تنظیم مفاسد حساب مالیاتی‌شان مبلغی در حد شرایط اقتصادی کنونی بپردازند) به رابطه بین وکیل و موکل هم نیز کمک خواهد نمود.

۲-۲) هزینه‌های دادرسی تا صدور حکم و اجرای احکام

توضیح:

علاوه بر حق‌الزحمه وکلا، هزینه‌هایی دیگر تا زمان صدور حکم و اجرای احکام بر طرفین بار می‌شود از جمله: هزینه دادرسی در هر مرحله اعم از بدوی، وخواهی، تجدیدنظر و ...؛ هزینه صدور قرار کارشناسی، هزینه‌های مرتبط با سپردن تأمین برای خسارت‌های احتمالی و تأمین دلیل و تأمین خواسته و صدور دستور موقت و ...

مواد قانونی:

بر اساس قانون وصول برخی از درآمدهای دولت هزینه‌ها به شرح ذیل است:

- ❖ در مرحله بدوی تا ۲۰۰ میلیون ریال: دو ونیم درصد ارزش خواسته
- ❖ در مرحله بدوی بیش از ۲۰۰ میلیون ریال: سه و نیم درصد ارزش خواسته
- ❖ در مرحله تجدیدنظر: چهار ونیم درصد ارزش خواسته
- ❖ در مرحله فرجام‌خواهی: پنج و نیم درصد ارزش خواسته
- ❖ تقدیم دادخواست به شعب دیوان عدالت اداری: ۲۰۰۰۰ هزار تومان
- ❖ تقدیم دادخواست تجدیدنظر به شعب دیوان عدالت اداری: ۳۰۰۰۰ هزار تومان
- ❖ هزینه دادرسی وخواهی: چهار ونیم درصد ارزش خواسته
- ❖ هزینه دادرسی شکایت کیفری: ۱۰۰۰۰ هزار تومان

لزوم پرداخت هزینه دادرسی در دادگستری امری پذیرفته در تمام نظام‌های حقوقی دنیا فلذا وجود هزینه‌های مذکور نیز در ایران به مقدار متعارف است و حتی در با اثبات اعسار در مواردی می‌توان از پرداخت آن معاف شد اما معضلی که هم‌اکنون در نظام حقوقی ایران وجود دارد و موجب نابرابری بین فعالین حوزه اقتصاد گردیده است معافیت برخی دستگاه‌هایی است که نه دولتی‌اند و نه خصوصی که عبارتند از:

- الف. صندوق قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری و ازکارافتادگی و فوت
 - ب. وزارت تعاون و امور روستاها (ماده ۱۳۱ قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶)
 - ج. سازمان تأمین اجتماعی (ماده ۱۱۰ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳)
 - د. بنیاد مستضعفان و جانبازان (ماده واحده لایحه قانونی راجع به معافیت بنیاد مستضعفان از پرداخت هزینه دادرسی در تمام مراجع قضایی مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷)
 - ه. شرکت‌های آب منطقه‌ای (ماده ۳۲ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶)
 - و. دعاوی علیه وراثت و بستگان شاه سابق (ماده واحده قانون معافیت از هزینه دادرسی در دعاوی علیه وراثت و بستگان شاه معدوم مصوب ۱۳۶۳/۱/۱۵)
 - ز. سازمان حج و اوقاف و امور خیریه (تبصره ماده نه قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲)
 - ح. شرکت پست جمهوری اسلامی ایران (ماده ۱۰ قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۸/۳)
 - ط. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (تبصره ماده ۱۷ قانون اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۶۶/۹/۱۷)
 - ی. جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران (ماده ۲۰ قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷/۲/۸ با اصلاحات ۱۳۷۹/۲/۲۸)
 - ک. سازمان زمین شهری (ماده ۲۰ اساسنامه سازمان زمین شهری مصوب ۱۳۶۷/۴/۱۵)
 - ل. شرکت عمران شهرهای جدید (ماده ۱۹ قانون اساسنامه شرکت عمران شهرهای جدید مصوب ۱۳۶۷/۱۰/۱۴)
 - م. شرکت‌های آب و فاضلاب (ماده ۱۰ قانون تشکیل شرکت‌های آب و فاضلاب مصوب ۱۳۶۹/۱۱/۱۰)
 - ن. سازمان تأمین خدمات درمانی پرسنل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (ماده ۱۳ قانون اساسنامه سازمان مزبور مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۹)
 - س. بنیاد شهید انقلاب اسلامی (تبصره ماده واحده قانون استفاده بعضی از دستگاه‌ها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی و معافیت بنیاد شهید انقلاب اسلامی و کمیته امداد امام خمینی (ره) از پرداخت هزینه دادرسی مصوب ۱۳۷۴/۳/۷)
 - ع. کمیته امداد امام خمینی (ره) (ماده واحده قانون فوق‌الذکر)
- این استدلالات که (۱) تمامی مبالغ وصولی بابت هزینه دادرسی به حساب خزانه عمومی کشور واریز می‌شود، در نتیجه، با دریافت هزینه دادرسی از دولت و نهادها و موسسات عمومی غیردولتی، مبلغی به درآمدهای عمومی کشور افزوده نشده و عملاً فایده‌ای بر وصول هزینه دادرسی دعاوی، مترتب نیست زیرا مانند آن است که وجهی از یک جیب خارج و وارد جیب دیگر شود (۲) دعاوی دولتی جهت تأمین مصالح عمومی است تا حدود زیادی عدم دریافت هزینه دادرسی از دستگاه‌های دولتی و عمومی را توجیه می‌کند اما این موضوع در نظام اقتصادی جای سخن دارد که دایره فعالیت‌های دولت از بخش خصوصی کاملاً مجزا شده و دولت‌ها عمدتاً ناظر و میانجیگر باشند نه در نظام اقتصادی همچون ایران که سیطره دولت در بخش‌های خصوصی به شدت مشهود است و بسیاری نهاد‌های دیگری که از مزایای عنوان دولتی و عمومی استفاده می‌کنند اما در واقع هیچ نظارتی بر آن‌ها نیست و شفافیت

ندارند (همچون فعالیت نهادها و شرکت‌های وابسته به ارگان‌های نظامی) بنابراین می‌توان ضرورت عدم معافیت دولت‌ها و نهادها و موسسات عمومی غیردولتی از هزینه دادرسی را این‌گونه برشمرد:

الف: نقض اصل تساوی اصحاب دعوی در دادرسی

ب: افزایش طرح دعاوی بلاوجه و واهی

ج: ذینفع بودن قوه قضائیه در هزینه‌های دادرسی

بنابراین پیشنهاد می‌شود که سازمان بازرسی کشور بتواند نظارت بیشتری بر دستگاه‌های خصولتی و بالاخص شرکت‌های زیرمجموعه آن‌ها داشته باشد چراکه در بسیاری موارد شرکت‌های انشعاب یافته از این نهادها به راحتی در حوزه‌های اقتصادی فعالیت می‌کنند بدون نظارت و بدون پرداخت هزینه‌های دادرسی و ... (رقابتی نابرابر با بخش خصوصی) و اینکه معافیت از پرداخت هزینه فقط به مواردی اختصاص یابد که نهادهای دولتی به معنای خاص به اعمال حاکمیتی می‌پردازند و نه غیر آن.

فصل دوم: شاخص‌های بررسی کیفیت و روند دادرسی قضایی

۲-۱) ساختار شکلی و صلاحیت دادگاه‌ها

۲-۲) مرجع رسیدگی مجزا برای دعاوی با خواسته کم و دعاوی تجاری

توضیح:

در حقوق ایران برای رسیدگی به دعاوی با خواسته کم مرجع رسیدگی مجزا و در درجه‌ای پایین‌تر از دادگاه عمومی حقوقی به نام شوراهای حل اختلاف پیش‌بینی شده است اما برای رسیدگی به دعاوی تجاری، قانونی که آیین دادرسی و دادگاه‌های علی‌حده‌ای را پیش‌بینی کند وجود ندارد.

مواد قانونی:

به موجب ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴:

"در موارد زیر، قاضی شورا با مشورت اعضای شورا رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

الف - دعاوی مالی راجع به اموال منقول تا نصاب دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به جز مواردی که در تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون در دادگستری مطرح می‌باشند.

ب - تمامی دعاوی مربوط به تخلیه عین مستاجر به جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب و پیشه

پ - دعاوی تعدیل اجاره بها به شرطی که در رابطه استیجاری اختلافی وجود نداشته باشد

ت - صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن

ث - ادعای اعسار از پرداخت محکوم به در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد

ج - دعاوی خانواده راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (الف) در صورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، ۱۲، ۱ نباشند.

چ - تأمین دلیل

ح - جرائم تعزیری که صرفاً مستوجب مجازات جزای نقدی درجه هشت باشد."

در رابطه به دادگاه های تجاری لازم به ذکر است که در جلسه ۲۵ آبان ماه سال ۱۳۹۰ هیات وزیران بنا به پیشنهاد قوه قضاییه لایحه آیین دادرسی تجاری را به تصویب رسانده و این لایحه از سوی رییس جمهوری برای طی مراحل قانونی تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است اما هنوز لازم الاجرا نشده است..

در این لایحه ۱۳۳ ماده ای اشاره شده که دادگاه تجاری برای رسیدگی تخصصی و تسریع در روند رسیدگی به دعاوی ناشی از امور تجاری در حوزه های قضایی مرکز هر استان تشکیل می شود. رسیدگی به اموری از قبیل دعاوی ناشی از اعمال تجاری، امور شرکت های تجاری، سرمایه گذاری های خارجی و قراردادهای تجاری بین المللی در صلاحیت این دادگاه های تجاری است. قضات این دادگاه های تجاری نیز باید تنها دو شرط سابقه حداقل پنج سال قضاوت در محاکم حقوقی و گذراندن دوره های آموزش تخصصی قوه قضاییه را داشته باشند.

پیشنهاد بهبود:

در رابطه با قانون شوراهای حل اختلاف نقص خاصی مشاهده نمی شود و جایگاه این شوراهای در قوانین و نظام حقوقی ما روشن است و عملکرد آنها نیز مطابق مواد قانونی با فلسفه تشکیل آنها مطابقت دارد اما در رابطه با دادگاه های تجاری با توجه به توسعه چشمگیر امور و فعالیت های تجاری در سال های اخیر و اهمیت تنظیم روابط میان تجار در رشد و توسعه اقتصادی کشور و با عنایت به نقش انکارناپذیر رسیدگی تخصصی به امور و دعاوی تجاری در توسعه تجارت، تسهیل سرمایه گذاری و بهبود شاخص های اقتصادی جوامع امروزی و نظر به منسوخ شدن قوانین پیشین که محکمه تجاری براساس آنها تشکیل و استقرار یافته بود و با لحاظ ضرورت احیای مجدد محاکم تجاری و رسمیت بخشیدن به چنین نهادی به منظور تسریع، دقت و تخصص و تسهیل رسیدگی به امور دعاوی تجاری و در اجرای بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی و در راستای رشد و شکوفایی جامعه تجاری و تولید کشور تماماً نشان دهنده تشکیل هر چه زودتر این دادگاه ها و اجرایی شدن قانون آن می باشد فلذا معطل ماندن یک لایحه به مدت سال ها در مجلس و روند طولانی قانونی سازی آن به ازای هر روز می تواند ضرری جبران ناپذیر برای جامعه بازرگانان کشور باشد که دعاوی شان در دادگاه های عمومی طولانی شده فلذا انتظار می رود تا قانون گذار به محض لازم الاجرا شدن قانون فوق الذکر، تمامی دعاوی تجاری مطروحه در دادگستری را به دادگاه های تجاری تخصصی ارجاع دهد.

۲-۳) امکان ضبط قبل از دادگاه (جلسه ای بین طرفین و وکلا قبل از حضور در دادگاه که ضبط می گردد)

توضیح:

چنین نهادی در نظام حقوقی ایران وجود ندارد و به نظر می رسد پیش بینی آن می تواند از بسیاری از دعاوی که بیشتر با هدف کینه توزی و به قصد آزار مطرح می شود جلوگیری نماید و همچنین در رابطه با ادله اثبات دعوا بسیار راهگشا خواهد بود چراکه با ضبط مذاکرات طرفین می توان از اقرار یا امارات ضبط شده حاصل از جلسه مذکور برای صدور رای استفاده نمود.

پیشنهاد بهبود:

فلذا پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار چنین تأسیسی را در قالب یک فصل مجزا در قانون آیین دادرسی مدنی و یا ذیل عنوان سازش بیاورد و سازوکار آن و اعتبار ادله مطروحه در آن را نزد دادگاه و قاضی روشن سازد، چراکه چنین امری به‌ویژه در بین تجار نیز بسیار مثمر‌تر خواهد بود.

۲-۴) اعتبار شهادت یک زن در دادگاه‌ها در مقابل شهادت یک مرد

توضیح:

در حقوق ایران اصولاً شهادت زن برابر شهادت مرد نمی‌باشد و این نابرابری ریشه در مبانی فقهی و اسلامی آن دارد همان‌طور که زنان برای امر قضاوت صلاحیت ندارند.

مواد قانونی:

در قانون مدنی شرایط لازم برای شاهد ذکر شده است اما اشاره‌ای به تاثیر جنسیت در میزان ارزش شهادت به عمل نیامده و از مرد یا زن بودن شاهد ذکری نشده است. ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: "در شاهد بلوغ، عقل، عدالت، ایمان و طهارت مولد شرط است." اما مطابق نظر مشهور فقها:

در امور حقوقی و یا حق الناس اصولاً امور غیرمالی با شهادت زنان نه به‌صورت انفرادی نه با انضمام به مردان قابل اثبات نیست.

در امور مالی شهادت دو زن به انضمام یک مرد می‌تواند موجب اثبات دعوی شود.

در قانون آیین دادرسی مدنی نیز چنین آمده است:

ماده ۲۳۰ - "در دعاوی مدنی (حقوقی) تعداد و جنسیت گواه، همچنین ترکیب گواهان با

سوگند به ترتیب ذیل می‌باشد:

الف - اصل طلاق و اقسام آن و رجوع در طلاق و نیز دعاوی غیرمالی از قبیل مسلمان بودن، بلوغ، جرح و تعدیل، عفو از قصاص، وکالت، وصیت با گواهی دو مرد.

ب - دعاوی مالی یا آنچه که مقصود از آن مال می‌باشد از قبیل دین، ثمن مبیع، معاملات، وقف، اجاره، وصیت به نفع مدعی، غصب، جنایات خطائی و شبه عمد که موجب

دیه است با گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن.

چنانچه برای خواهان امکان اقامه بینه شرعی نباشد می‌تواند با معرفی یک گواه مرد یا دو زن به ضمیمه یک سوگند ادعای خود را اثبات کند. در موارد مذکور در این بند، ابتدا گواه واجد شرایط شهادت می‌دهد، سپس سوگند توسط خواهان ادا می‌شود.

ج - دعاوی که اطلاع بر آن‌ها معمولاً در اختیار زنان است از قبیل ولادت، رضاع، بکارت، عیوب درونی زنان با گواهی چهار زن، دو مرد یا یک مرد و دو زن.

د - اصل نکاح با گواهی دو مرد و یا یک مرد و دو زن.

به نظر می‌رسد اصلاح قوانینی که منشا روایی و دینی دارند به شدت با مشکل مواجه است، در حقوق ایران احکام بسیاری وجود دارد که از منابع دینی الهام گرفته‌اند اما از آنجایی که بیشتر مسائل مرتبط با مجازات‌ها و جرایم جنبه امری دارند و امور حقوقی و مسائل مربوط به تجارت را فقها غالباً با مستحبات و مکروهات به بحث گذاشته‌اند پس می‌تواند با وحدت ملاکی کلی در اموری همچون شهادت زنان در امور تجاری با توجه به نیاز جامعه قائل به مساوات بود.

فصل سوم: مدیریت پرونده

۱-۳) محدودیت زمانی در قوانین در رابطه با زمان جلسات تا صدور رای

توضیح:

به‌طور کلی نمی‌توان قضات دادگاه‌ها را مکلف نمود که در محدوده چند روز یا ماه معین ختم دادرسی را اعلام و رای صادر می‌کنند چراکه از زمان تشکیل جلسه ممکن است ادعاهای متفاوت و قرارهای متعدد و اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی همچون فوت یا ورشکستگی یکی از طرفین باعث اطاله دادرسی گردد فلذا قانون‌گذار تا توانسته سعی کرده تا محدودیت‌های زمانی را پیش‌بینی نماید.

مواد قانونی:

۱. فرایند بررسی-قانون محور = با تقدیم دادخواست، مدیر دفتر فوراً آن را ثبت و به نظر مقام ارجاع می‌رساند که یک روز می‌کشد. (ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی)
۲. اولین جلسه دادرسی - قانون محور؛ فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و اولین جلسه نباید کمتر از ۵ روز (حداقل ۵ روز) باشد. (ماده ۶۴ آ.د.م)
۳. پر کردن بیانیه دفاع - قانون محور؛ خوانده در همان فاصله ۵ روز مهلت پاسخگویی دارد و اگر نشانی خوانده معلوم نشود حداقل ۱ ماه فرصت دارد. (ماده ۷۳ آ.د.م) در مرحله تجدیدنظر به موجب ماده ۳۴۶ "مدیر دفتر دادگاه بدوی ظرف دو روز از تاریخ وصول دادخواست و ضمائم آن یا پس از رفع نقص، یک نسخه از دادخواست و پیوست‌های آن را برای طرف دعوا می‌فرستد که ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ پاسخ دهد."
۴. مرحله تکمیل مدرک - قانون محور؛ در مرحله تقدیم لوائح، مهلت ۱۰ روزه برای رفع نقص پیش‌بینی شده است. اگر نسبت به سند، ادعای جعل شود دارنده باید ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ، اصل سند موضوع ادعای جعل را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. (ماده ۲۲۰ آ.د.م) همچنین در صورت درخواست خواهان یا خوانده برای ارائه اسناد، دادگاه می‌تواند جلسه دادرسی را به تاخیر بیندازد یا مهلت بدهد.
۵. زمان برای ارائه نظر متخصص - قانون محور؛ طبق ماده ۲۶۰ آ.د.م کارشناس مکلف است ظرف مهلت تعیین شده در قرار

کارشناسی، نظر خود را ارائه دهد پس زمان لازم برای ارائه نظر متخصص در حقوق ایران جزء مواعد قضایی محسوب می‌شود.

۶. ضرب العجل برای ارائه قضاوت نهایی - قانون محور؛ پس از اعلام ختم دادرسی در صورت امکان، دادگاه در همان جلسه انشاء رای نموده و به اصحاب دعوا اعلام می‌نماید در غیر این صورت حداکثر ظرف یک هفته انشاء و اعلام رای میکند. (ماده ۲۹۵) و همچنین رای دادگاه باید ظرف ۵ روز از تاریخ صدور پاکنویس شده و به امضای دادرس یا دادرسان صادرکننده رای برسد. (ماده ۲۹۷)

به نقل از رئیس دادگستری البرز: در حال حاضر متوسط زمان رسیدگی به پرونده‌های انقلاب ۱۱۲ روز، پرونده‌های خانواده ۹۱ روز، تجدیدنظر ۸۲ روز و حقوقی ۱۶۷ روز است.

پیشنهاد بهبود:

به نظر می‌رسد که راهکار کم شدن مدت زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی، تبعیت از سیستم دادرسی افتراقی است که در حقوق ما به‌ویژه در رابطه با نظامیان و روحانیان به‌خوبی اجرا شده است که البته فلسفه آن بیشتر به حساسیت شغلی و جایگاه اجتماعی آن‌ها برمی‌گردد، چه نیکو می‌شد اگر قانون‌گذار چنین جایگاهی را برای تجار هم در نظر بگیرد و با مجزا کردن دعاوی آن‌ها به تسریع روند رسیدگی کمک برساند.

پیشنهاد دیگر در این رابطه استفاده از تکنولوژی ارتباطات در سیستم قضایی است که البته در بخش بعدی بررسی خواهیم کرد.

فصل چهارم: دادرسی الکترونیکی

توضیح:

مواردی که هم‌اکنون به‌موجب قانون در سیستم حقوقی ایران از طریق سیستم الکترونیکی انجام می‌شود:

الف) برای قضات

۱- قوانین، مقررات و پرونده قانونی در دسترس؛

۲- سیستم اتوماتیک جدول رسیدگی به پرونده‌هایی که در دفتر ثبت دعاوی حقوقی قاضی هستند؛

۳- ارسال اطلاعیه‌ها برای وکلا؛

۴- وضعیت پرونده در دفتر ثبت دعاوی حقوقی قاضی؛

۵- مشاهده و مدیریت اسناد پرونده (خلاصه‌ها، روند رسیدگی به پرونده و غیره)؛

۶- یادداشت‌های قاضی؛

۷- تولید (ایجاد) نیمه اتومات دستورات دادگاه؛

۸- مشاهده دستورات دادگاه و قضاوت در یک پرونده خاص

ب) برای وکلا

۱- قوانین، مقررات و پرونده قانونی در دسترس؛

- ۲- دسترسی به فرم‌های تکمیل شده در دادگاه
- ۳- دریافت اطلاعاتی‌ها (مثل جیمیل)؛
- ۴- پیگیری وضعیت پرونده (جلسات آینده، ضرب العجل‌ها و غیره)؛
- ۵- مشاهده و مدیریت اسناد پرونده (خلاصه‌ها، روند رسیدگی به پرونده و غیره)؛
- ۶- خلاصه فایل‌ها و اسناد دادگاه؛
- ۷- دسترسی به دستورات دادگاه و تصمیمات گرفته شده در مورد پرونده

مواد قانونی:

به موجب قانون آیین دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳:

ماده ۶۵۱- کلیه دستگاه‌های تابعه قوه قضاییه، نظیر دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان پزشکی قانونی، سازمان قضایی نیروهای مسلح و مراجع ذی‌ربط در عفو و بخشودگی و سجل کیفری و روزنامه رسمی جمهوری اسلامی، موظفند کلیه اطلاعات خود را در مرکز ملی داده‌های قوه قضاییه قرار دهند و آن‌ها را روزآمد نگه دارند.

ماده ۶۵۳- قوه قضاییه موظف است اطلاعات زیر را از طریق «درگاه ملی قوه قضاییه» ارائه کند آن‌ها را روزآمد نگه دارد.

الف - اهداف، وظایف، سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و ساختار کلان مدیریتی و اجرایی قوه قضاییه به همراه معرفی مسئولان و شرح وظایف و نحوه ارتباط با آنان

ب - نشانی، شماره تماس و پیوند به تارنمای (وبسایت) تمامی معاونت‌ها و دادگستری‌های استان‌ها، دستگاه‌های تابعه قوه قضاییه، وزارت دادگستری، کانون‌های وکلای دادگستری و کارشناسان رسمی دادگستری

پ - کلیه قوانین لازم‌الاجراء، آراء وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور و آرا هیات عمومی دیوان عدالت اداری، بخشنامه‌های رئیس قوه قضاییه و نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه

ت - آراء صادره از سوی محاکم در صورتی که به تشخیص قاضی اجرای احکام خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی نباشد به صورت برخط (آنلاین) برای تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان با حفظ حریم خصوصی اشخاص

ث - خدمات معاضدت قضایی به مقامات ذیصلاح سایر کشورها بر پایه اسناد و معاهده‌های همکاری حقوقی بین‌المللی و اطلاعات راجع به خدمات حقوقی و قضایی به اتباع سایر کشورها

ج - آموزش آسان و قابل درک عمومی چگونگی اقامه دعوی برای شهروندان

چ - اطلاعات پژوهشی و علمی حقوقی - قضایی

پیشنهاد بهبود:

تصویب قانون دادرسی الکترونیک امر بسیار پسندیده‌ای از جانب قانون‌گذار ایرانی بود اما شاید تنها ایراد که بتوان به آن وارد کرد عدم ضمانت اجرای موثر برای قضاتی است که هنوز بر سیستم سنتی و کاغذی پافشاری می‌کنند. چراکه اگر به دنبال یکپارچه شدن دادرسی الکترونیکی هستیم تمامی مسئولین قضایی باید از این قاعده پیروی کنند.

فصل پنجم: میانجیگری و سازش

توضیح:

میانجی‌گری و صلح (سازش)، هر دو از شیوه‌های جایگزین حل اختلاف می‌باشند که مقنن در ماده یک قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، آن‌ها را در عرض یکدیگر مطرح نموده است؛ زیرا در مواد ۸۲، ۸۳ و ۸۴ این قانون، سازوکار، شرایط و ضوابط مشخصی برای میانجی‌گری پیش‌بینی نموده است. صلح و سازش ممکن است نتیجه میانجیگری باشد یا از هر طریق دیگری حاصل شود. بر این اساس قانون‌گذار در مقررات مختلف از جمله ماده ۱۹۲ به آن اشاره نموده است.

مواد قانونی:

در قانون جدید آیین دادرسی مدنی مصوب ۷۹ همچون قانون آیین دادرسی مدنی سابق، مصوب ۱۳۱۸ مقرراتی در خصوص سازش و به‌طور خاص سازش قضایی و وظیفه‌ی قاضی در این مورد و نیز نحوه‌ی اجرای سازش‌نامه وضع شده است.
ماده ۱۷۸ - در هر مرحله از دادرسی مدنی طرفین می‌توانند دعوای خود را به طریق سازش خاتمه دهند.
ماده ۱۷۹ - در صورتی که در دادرسی خواهان یا خوانده متعدد باشند، هرکدام از آنان می‌تواند جدا از سایرین با طرف خود سازش نماید.

ماده ۱۸۰ - سازش بین طرفین یا در دفتر اسناد رسمی واقع می‌شود یا در دادگاه و نیز ممکن است در خارج از دادگاه واقع شده و سازش‌نامه غیررسمی باشد.

ماده ۱۸۱ - هرگاه سازش در دفتر اسناد رسمی واقع شده باشد، دادگاه ختم موضوع را به موجب سازش‌نامه در پرونده مربوط قید می‌نماید و اجرای آن تابع مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد، لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۱۸۲ - هرگاه سازش در دادگاه واقع شود، موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده در صورت یا مجلس منعکس و به امضای دادرس و دادرسان و طرفین می‌رسد.

تبصره - چنانچه سازش در حین اجرای قرار واقع شود، سازش‌نامه تنظیمی توسط قاضی مجری قرار در حکم سازش به عمل آمده در دادگاه است.

ماده ۱۸۳ - هرگاه سازش خارج از دادگاه واقع شده و سازش‌نامه غیررسمی باشد طرفین باید در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار نمایند. اقرار طرفین در صورت مجلس نوشته شده و به امضای دادرس دادگاه و طرفین می‌رسد در صورت عدم حضور طرفین در دادگاه بدون عذر موجه دادگاه بدون توجه به مندرجات سازش‌نامه دادرسی را ادامه خواهد داد.

ماده ۱۸۴ - دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین به شرح فوق رسیدگی را ختم و مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید مفاد سازش‌نامه که طبق مواد فوق تنظیم می‌شود نسبت به طرفین و وراثت و قائم‌مقام قانونی آن‌ها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود، چه این که مورد سازش مخصوص به دعوای مطروحه بوده یا شامل دعوای یا امور دیگری باشد

پیشنهاد بهبود:

با توجه به اهمیت فراوان سازش و صلح بین تجار به قانون گذار تجارت پیشنهاد می شود که فصل مجزا و مفصلی را به بحث سازش اختصاص بدهد و جلسه پیش از محاکمه را برای تسهیل روند سازش برای تجار پیش بینی و به رسمیت بشناسد.

فصل ششم: داوری

توضیح:

داوری همواره به عنوان یک نهاد مکمل در عرض دادگستری نقش بسزایی در رتق وفتق دعاوی ایفا کرده است. حل اختلاف به روش کدخدامنشانه به ویژه در امور تجاری که حیثیت و وجهه تجاری افراد بیش از کسب و کارشان اهمیت دارد چنان جایگاهی یافته که هم اکنون در تمامی قراردادهای مدرن شرطی به نام شرط داوری گنجانده می شود. البته یکسری دعاوی را به موجب قانون نمی توان به داوری ارجاع داد از جمله:

ماده ۴۹۶ - دعاوی زیر قابل ارجاع به داوری نیست:

۱ - دعاوی ورشکستگی.

۲ - دعاوی راجع به اصل نکاح، فسخ آن، طلاق و نسب

مواد قانونی:

رای داور همانند حکم دادگاه می تواند به عنوان دلیل امر مختوم و یک سند معتبر و لازم الاجرا مورد استناد واقع شود. علاوه بر این، قطعی و لازم الاجرا بودن مهم ترین ضمانت اجرای آرای داوری بشمار می رود. به بیان دیگر، رای داور قابل رسیدگی مجدد نیست و دارای قدرت اجرایی است. آیین تضمین رای از طریق دستور دادگاه به منزله تایید رای داوری است. مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ از قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ به بحث داوری اختصاص یافته است. لازم به ذکر است که داوری بین المللی تابع قانون داوری تجاری بین الملل مصوب ۱۳۷۶ می باشد.

پیشنهاد بهبود:

به نظر هنوز در ایران شرط داوری آن چنان که باید جدی گرفته نمی شود و غالباً افراد این شرط را به عنوان یک شرط تکمیلی در قراردادها می نگرند هر چند امکان اجباری کردن گنجاندن شرط داوری یا رجوع به داوری وجود ندارد یا اگر دارد به صورت مشورتی است (همانند قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۴):

ماده ۲۷ - در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع

کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند.

ماده ۲۸ - پس از صدور قرار ارجاع امر به داوری، هریک از زوجین مکلفند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ یک نفر از اقارب متاهل خود را که حداقل سی سال داشته و آشنا به مسائل شرعی و خانوادگی و اجتماعی باشد به‌عنوان داور به دادگاه معرفی کنند.)

فلذا فرهنگی سازی این امر برای مردم به ویژه تجار راهکار بسیار مفیدی برای رهایی از هزینه‌های گزاف دادرسی و اطاله زمان ناشی از آن است که یقیناً اتاق‌های بازرگانی مسئولیت بیشتری در این زمینه خواهند داشت مثل تاسیس مرکز داوری در تمام نقاط ایران یا ورود به پرونده‌های بازرگانی در قالب داوری و تلاش در راه صلح و سازش و جلوگیری از ورشکستگی و از بین رفتن کسب و کارهای کوچک.